



ویژه نامه هفته دولت



خالص درآمد ملی سرانه

رو به کاهش بود

افت و خیز رفاه ایرانیان
در دهه گذشته



وضعیت تغییرات ارزش افزوده تولید
شده در سطح ملی چگونه بود؟

سقوط صنعت
در میانه اقتصاد نفتی



شهریور ۱۴۰۴

از کجا آغاز کردیم؟



گام اول

اولین شماره به
سراغ نقطه آغاز
می رود: روزهایی
که دولت تازه بر
سر کار آمده بود و
کشور با ناترازی ها،
چالش های
اقتصادی و
نااطمینانی ها
مواجه بود. این
بخش تصویری
واقعی از «شرایط
تحویل گرفته» را به
نمایش می گذارد.

متغیرهای تورم ساز در قله

سراغاز

یک سال و اندی پیش، زمانی که دولت مسعود پزشکیان در حال شکل گیری بود، یکی از اقتصاددانان شناخته شده به نماینده اقتصادی او توصیه کرد: «به محض استقرار، به مردم بگویید چه تحول گرفته اید.» نماینده مکتبی کرد و گفت: «آقای پزشکیان مخالف است.» این پاسخ تعجب حاضران را برانگیخت، اما او ادامه داد: «پزشکیان می گوید مردم با تمام وجود می دانند کشور در چه وضعی است. کار ما توضیح دادن نیست، کار ما ساختن وفاق و ایجاد رونق است.» همین نگاه سبب شد دولت چهاردهم، برخلاف سنت برخی پیشینیان، یک سال تمام از گفتن «ماترک» پرهیز کند و به جای اعتراض، کار را بی صدا پیش ببرد. اکنون پس از گذشت یک سال، روزنامه ایران به عنوان روزنامه وابسته به دولت جمهوری اسلامی ایران، در سه شماره ویژه نامه می کوشد تصویری روشن و مستند از این مسیر ارائه دهد. این روایت سه گانه نه برای گلایه از گذشته است و نه صرفاً برای ثبت امروز؛ بلکه تلاشی است برای اینکه مخاطب بداند این دولت از کجا آغاز کرده، چگونه گام برداشته و چه افقی در برابر خود گشوده است.

کشورداری در این مدت، بیش از هر چیز شبیه دو مارتن با مانع بود؛ مسیری طولانی و فرساینده که در هر گامش مانعی تازه قد برافراشت. اما اهمیت روایت امروز در این است که دولت، حتی در مواجهه با سخت ترین موانع، به جای توقف یا اعتراض، کوشید مسیر را ادامه دهد و امید را زنده نگه دارد.

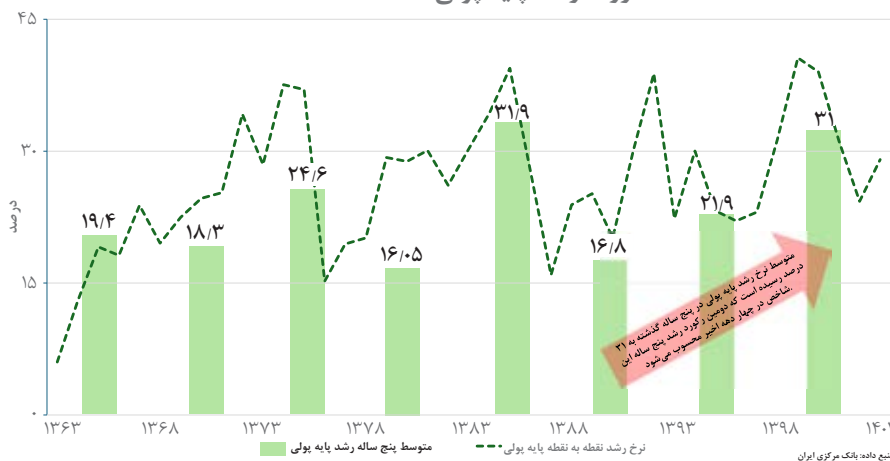
اولین شماره به سراغ نقطه آغاز می رود: روزهایی که دولت تازه بر سر کار آمده بود و کشور با ناترازی ها، چالش های اقتصادی و نااطمینانی ها مواجه بود. این بخش تصویری واقعی از «شرایط تحویل گرفته» را به نمایش می گذارد؛ شرایطی که هر سیاست تازه ای باید از دل آن عبور می کرد.

شماره دوم، با عنوان «قدم های بی صدا»، روایتگر یک سال تلاش است. در این بخش، به جای شعار، بر کارنامه متمرکز شده ایم؛ اینکه دولت چگونه در برابر فشارها ایستاد، چه اصلاحاتی را آغاز کرد و چگونه تلاش کرد بدون هیاهو، مسیر دشوار را ادامه دهد.

و سرانجام، شماره سوم «نقشه امید» است. این شماره، به آینده می پردازد؛ به چشم اندازی که دولت برای عبور از تنگناها و ساختن فردای بهتر ترسیم کرده است. این بخش نشان می دهد که دولت چه برنامه هایی در سردارد و چگونه می خواهد سرمایه اجتماعی را با خود همراه کند. این سه گانه در مجموع روایتی پیوسته است؛ از جایی که شروع شدیم، تا آنچه در یک سال ساخته شد و تا آنچه برای فردا در نظر گرفته شده است. تفاوتش با روایت های مشابه در این است که دولت، حتی امروز هم، بازگشت به آغاز را بهانه توجیه نمی کند؛ بلکه آن را معیاری برای سنجش گام هایی قرار می دهد که با وجود همه سختی ها، بی صدا اما پیوسته برداشته شده اند.

حجم پایه پولی که رشد آن یکی از عوامل مهم تورمزا است، در پنج سال گذشته (سال های ۱۳۹۸ تا ۱۴۰۳) ۳۱ درصد نسبت به بازه مشابه قبلی رشد کرده است. رقمی که در مقایسه با سال های پس از انقلاب کم سابقه بوده و نشان می دهد در سال های اخیر سرعت خلق اعتبار افزایش یافته است. پایه پولی که به اصطلاح چاپ پول نیز نامیده می شود حجمی از پول است که در ازای افزایش ذخایر خارجی، استقراض به بانک ها، استقراض به دولت و اجرای عملیات سیاست پولی خلق می شود. موضوعی که به باور اقتصاددانان در صورتی که منجر به خلق نقدینگی بیشتر شود، تورمزا خواهد بود.

روند رشد پایه پولی (۱۴۰۳ - ۱۳۶۳)

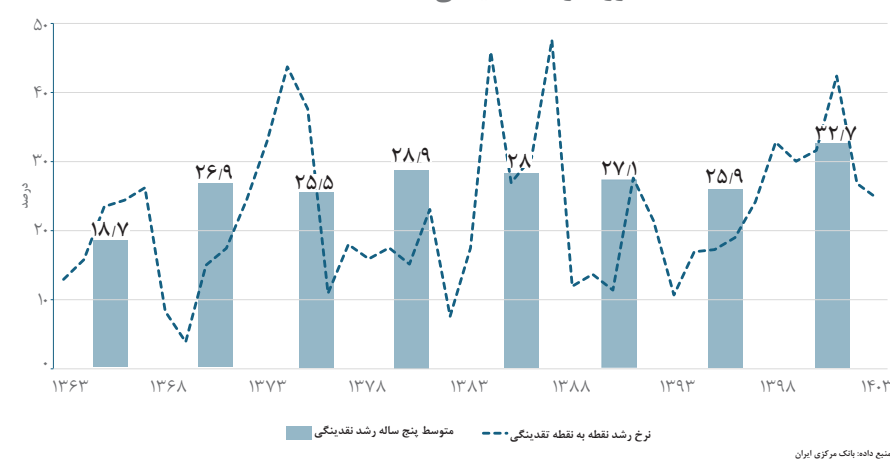


پایه پولی در واقع چاپ پول را نشان می دهد که در خلق تورم موثر است.

آمارهای بانک مرکزی نشان می دهد متوسط رشد نقدینگی در پنج سال گذشته برابر با ۳۲/۷ درصد بوده است. رقمی که در بازه های مشابه قبلی در سال های پس از انقلاب سابقه نداشته است. این گزاره به این معنا است که در پنج سال اخیر سرعت خلق پول در بانک ها شدت گرفته و بنابراین موتور تورم نیز داغ تر از قبل شده است. برای این موضوع علل مختلفی ذکر می شود. از جمله ناترازی سیستم بانکی، فشار دولت به بانک ها برای جبران کسری بودجه و فشار تسهیلات تکلیفی بر دوش بانک ها. عوامل در هم تنیده ای که در نهایت همگی به یک نتیجه منجر می شوند: افزایش نرخ تورم و کاهش قدرت خرید جامعه. دولت چهاردهم در چنین وضعیتی روی کار آمد.

سرعت چاپ پول در سال های پس از انقلاب در چند بازه افزایش شدیدی داشته است؛ اول، نیمه اول دهه ۱۳۷۰ مصادف با دولت سازندگی که نرخ رشد پایه پولی به ۳۷/۶ درصد افزایش یافت. دوم، نیمه اول دهه ۱۳۸۰ که این نرخ در روندی تصاعدی به ۳۹/۴ درصد رسید. سوم، سال های ۱۳۹۰ تا ۱۳۹۲ که این نرخ به ۳۸/۸ درصد رسید و چهارم، سال های ۱۳۹۷ تا ۱۳۹۹ که منجر شد نرخ رشد پایه پولی به رکورد بی سابقه ۴۰/۶ درصدی برسد. یکی از آثار رشد پایه پولی، رشد نقدینگی است. در واقع پولی که بانک مرکزی چاپ می کند می تواند از طریق بانک ها و در فرآیند وام دهی و سپرده پذیری به چندین برابر پول بیشتر تبدیل شود و در اقتصاد گردش پیدا کند. افزایش حجم نقدینگی در واقع به معنای افزایش عرضه پول است که در صورت ثابت ماندن حجم تولید در اقتصاد، منجر به رشد قیمت ها یا به اصطلاح تورم خواهد شد.

روند رشد نقدینگی (۱۴۰۳ - ۱۳۶۳)



متوسط نرخ رشد نقدینگی کشور در پنج ساله گذشته به ۳۲/۷ درصد رسیده که در بازه های مشابه قبلی بی سابقه بوده است. این شاخص که از آن به عنوان موتور تورم نام برده می شود، وضعیت متلاطمی را در چهار دهه اخیر تجربه کرده است.



شهریور ۱۴۰۴

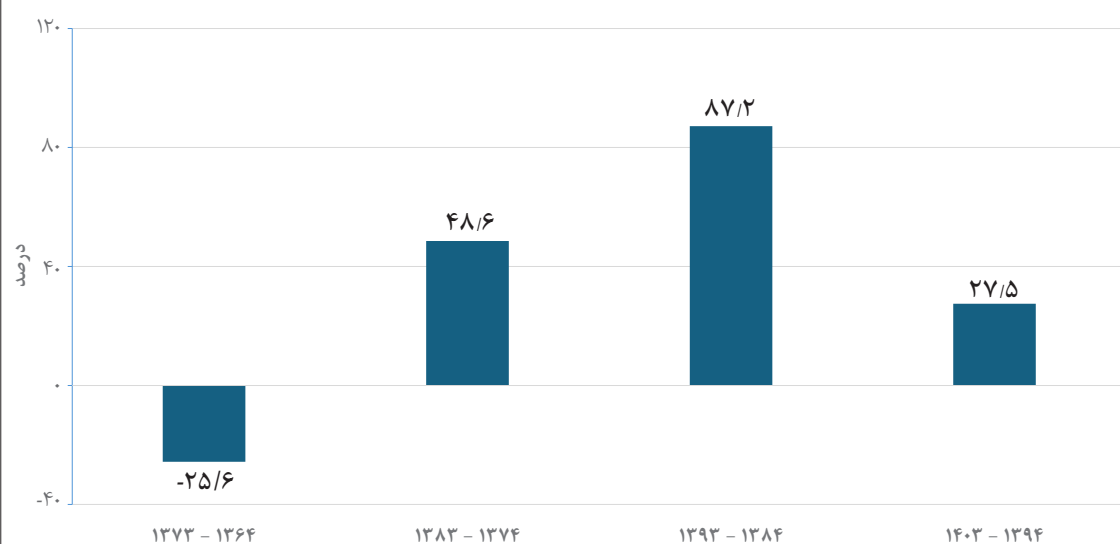
موتور خاموش تولید ثروت



واقع رشد تشکیل سرمایه ناخالص در ۱۰ سال گذشته در حداقل مقدار پس از دوران جنگ هشت ساله قرار گرفته است. این موضوع به این معناست که دولت‌های پیشین بویژه از دهه ۱۳۹۰ نتوانسته‌اند فضای مناسبی را برای سرمایه‌گذاران ایجاد کنند. یکی از دلایل مهم این موضوع را می‌توان در خروج آمریکا از برجام در سال ۱۳۹۷ و تشدید تحریم‌ها جست‌وجو کرد که نااطمینانی اقتصادی را در کشور بشدت افزایش داد.

یکی از ارکان اصلی توسعه اقتصادی کشور جذب سرمایه‌های داخلی و خارجی است. در واقع تصور رشد اقتصادی بدون سرمایه‌گذاری‌های کلان امکان ندارد. نگاهی به بخش تشکیل سرمایه ناخالص در آمار رشد اقتصادی مرکز آمار ایران نشان می‌دهد که این شاخص که حجم کل سرمایه‌گذاری‌ها در اقتصاد را نشان می‌دهد، در یک دهه اخیر ۲۷٫۵ درصد نسبت به دهه قبل رشد داشته است. این در حالی است که این نرخ در بازه ۱۳۸۴ تا ۱۳۹۳ برابر با ۸۷٫۲ درصد و در بازه ۱۳۷۴ تا ۱۳۸۳ برابر با ۴۸٫۶ درصد بوده است. در

رشد متوسط ۱۰ ساله هزینه نهایی تشکیل سرمایه ناخالص



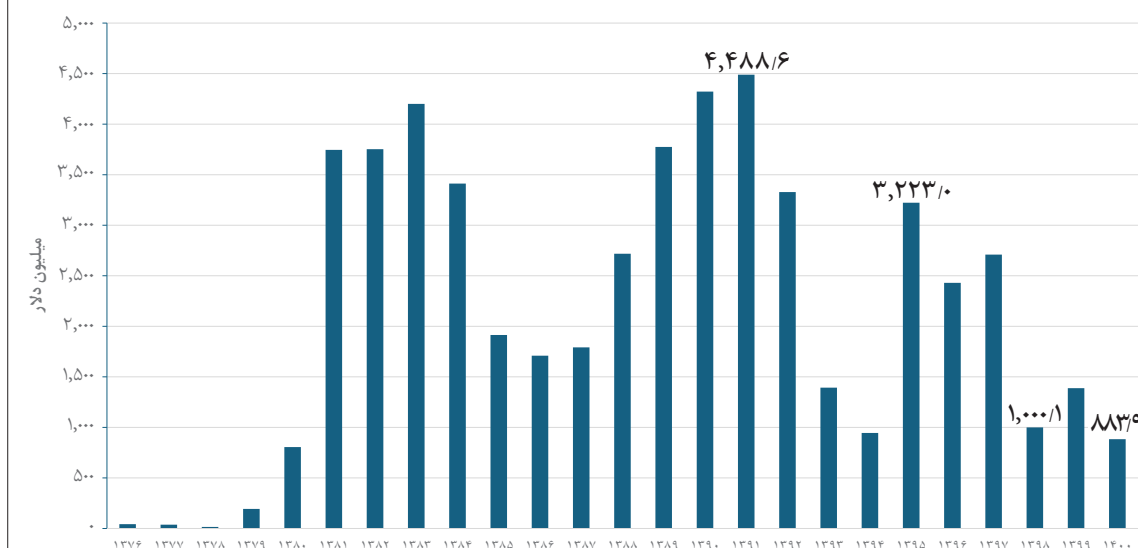
منبع داده: مرکز آمار ایران

حجم سرمایه‌گذارها در کشور از سال ۱۳۹۷ کاهشی شدیدی یافت؛ به طوری که میانگین هزینه تشکیل سرمایه در یک دهه گذشته تنها ۲۷٫۵ درصد رشد داشته است. رقمی که پس از سال‌های جنگ هشت ساله بی سابقه بوده است.

حجم سرمایه‌گذاری خارجی در کشور حدود ۷۲ درصد کاهش یافته است. دولت چهاردهم در شرایطی با افت شدید سرمایه‌گذاری‌ها مواجه شده که کارشناسان تخمین می‌زنند کشور برای تحقق رشد ۸ درصدی به بیش از ۱۰۰ میلیارد دلار سرمایه‌گذاری نیاز دارد. موضوعی که رئیس‌جمهوری نیز آن را تأیید کرده است. با این حال در شرایط اقتصادی متلاطم موجود، دولت چهاردهم راه سختی را برای جذب سرمایه پیش رو دارد.

بازگشت تحریم‌ها علاوه بر افزایش نااطمینانی اقتصادی و تأثیر بر سرمایه‌گذاری داخلی، سرمایه‌گذاران خارجی را نیز از دسترس کشور دور کرد. به طوری که آمارهای بانک مرکزی نشان می‌دهد در سال ۱۴۰۰ حجم سرمایه‌گذاری خارجی در کشور از بیش از ۳۲۰۰ میلیون دلار در سال ۱۳۹۵ به حدود هزار میلیون دلار در سال ۱۳۹۸ رسید و پس از آن در سال ۱۴۰۰ به ۸۸۴ میلیون دلار کاهش یافت. در واقع می‌توان گفت طی سال‌های ۱۳۹۵ تا ۱۴۰۰

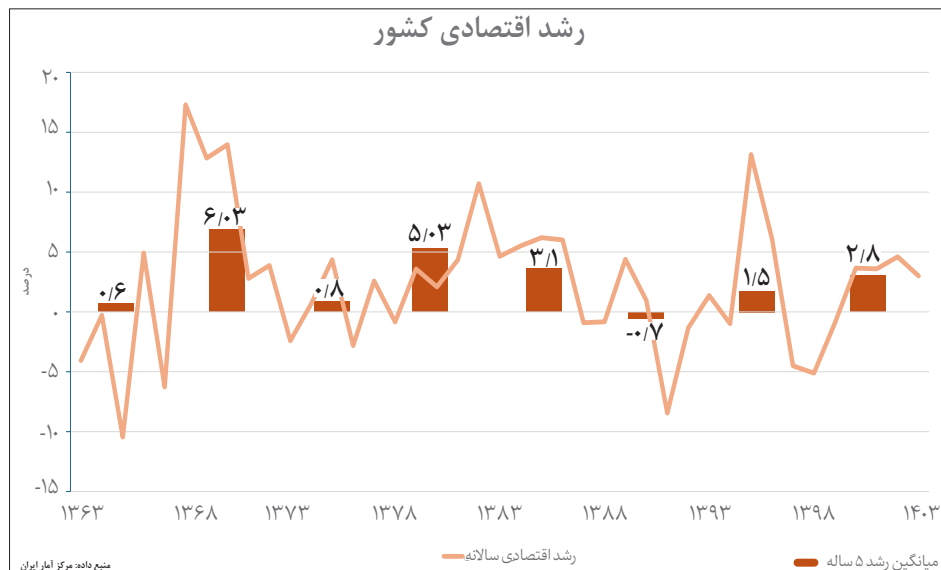
حجم سرمایه‌گذاری خارجی در کشور (۱۳۷۶ - ۱۴۰۰)



منبع داده: بانک اطلاعات سری‌های زمانی اقتصادی بانک مرکزی ایران

حجم سرمایه‌گذاری‌های خارجی در کشور در سال‌های اخیر افت شدیدی داشته و به کمتر از ۸۸۴ میلیون دلار در سال ۱۴۰۰ رسیده است.

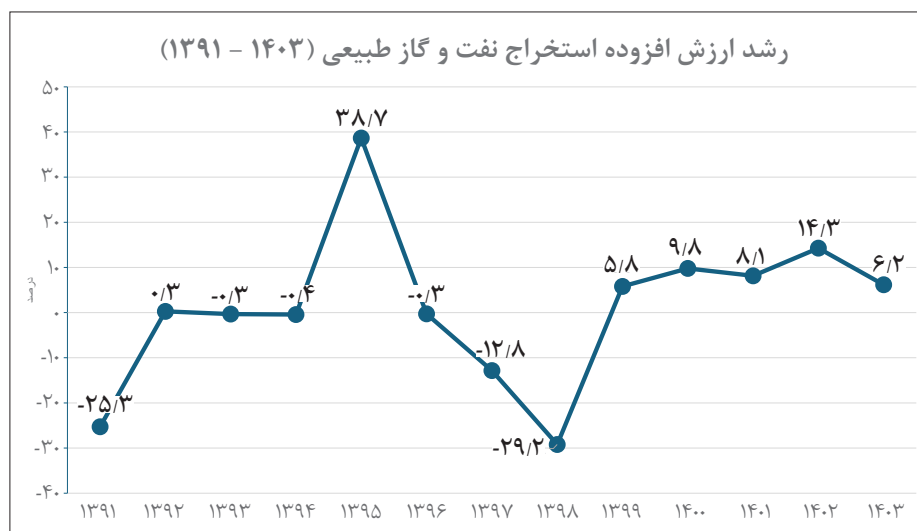
سقوط صنعت در میانه اقتصاد نفتی



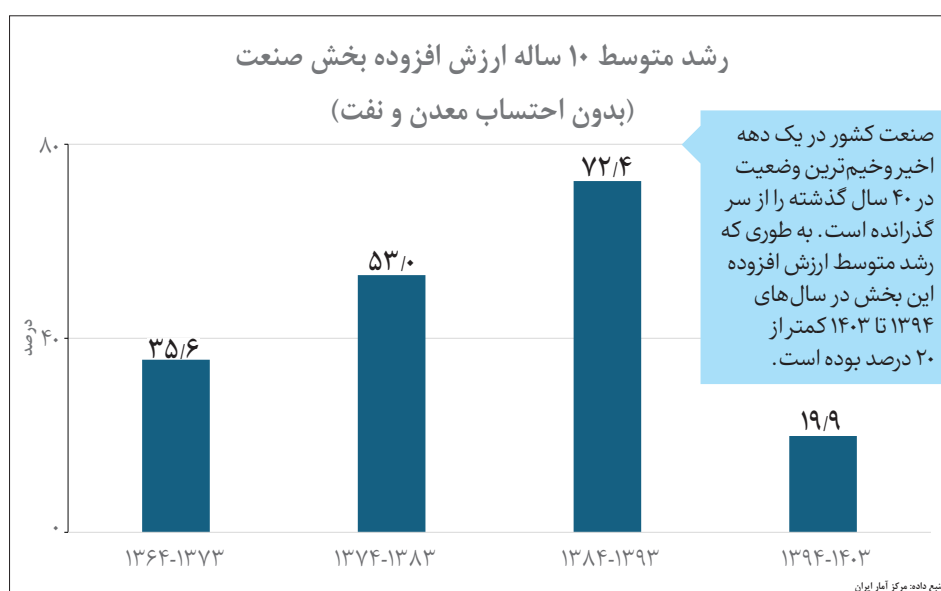
رشد اقتصادی را برخی تابلوی اقتصاد یک کشور می‌دانند. شاخصی که تغییرات ارزش افزوده تولید شده در سطح ملی را نمایش می‌دهد. در برنامه هفتم توسعه هدفگذاری شده است که کشور تا سال ۱۴۰۷ به رشد اقتصادی ۸ درصدی دست یابد. این موضوع در حالی است که در طی چهار دهه گذشته، تنها در ۴ سال این نرخ بیش از ۸ درصد بوده و در اغلب سال‌ها پایین‌تر از ۳ درصد به ثبت رسیده است.

متوسط پنج ساله نرخ رشد اقتصادی کشور از دهه ۱۳۸۰ یعنی در دو دهه گذشته کمتر از ۵ درصد بوده است. این نرخ در ۵ سال اخیر نیز برابر با ۲/۸ درصد به ثبت رسیده است. موضوعی که اختلاف زیاد وضعیت فعلی تولید در کشور با اهداف توسعه را نشان می‌دهد.

آمارها نشان می‌دهند متوسط رشد اقتصادی کشور در ۵ سال اخیر تنها ۲/۸ درصد بوده است. این رقم در سال‌های ۱۳۸۸ تا ۱۳۹۳ برابر با منفی ۰/۷ درصد و در سال‌های ۱۳۹۳ تا ۱۳۹۸ برابر با ۱/۵ درصد به ثبت رسیده است. این ارقام نشان می‌دهند که می‌توان وضعیت تولید کشور را حداقل از دهه ۱۳۹۰ به این سو بسیار وخیم ارزیابی کرد. به علاوه آمارها نشان می‌دهد که این رشد حداقلی نیز اغلب وابسته به نفت بوده است. به طوری که هرگاه شرایط فروش نفت در کشور بهبود یافته باشد رشد اقتصادی نیز بهبود یافته است. برای مثال می‌توان به سال‌های ۱۴۰۰ تا ۱۴۰۲ اشاره کرد که نرخ رشد اقتصادی روندی صعودی یافت و به ۱۴/۸ درصد نیز افزایش پیدا کرد. در نتیجه رشد اقتصادی نیز در سال ۱۴۰۲ به ۴/۶ درصد رسید که در چند سال اخیر بی‌سابقه بود. پس از تجربه این رشد کم‌سابقه نفتی و همزمان با افت رشد در بخش نفت، دولت چهاردهم روی کار آمد.



رشد بخش نفت از سال ۱۴۰۰ افزایش زیادی یافت و در سال ۱۴۰۲ به ۱۴/۳ درصد رسید. موضوعی که دلیل اصلی بهبود نرخ رشد اقتصادی در دولت سیزدهم بوده است.



صنعت کشور در یک دهه اخیر وخیم‌ترین وضعیت در ۴۰ سال گذشته را از سر گذرانده است. به طوری که رشد متوسط ارزش افزوده این بخش در سال‌های ۱۳۹۴ تا ۱۴۰۳ کمتر از ۲۰ درصد بوده است.

آمار رشد بخش صنعت (به استثنای بخش معدن و نفت) نشان می‌دهد که در این سال‌ها این بخش با افت قابل ملاحظه‌ای مواجه شده است. مطابق آمارها متوسط رشد صنعتی کشور در یک دهه گذشته (سال‌های ۱۳۹۴ تا ۱۴۰۳) برابر با ۱۹/۹ درصد بوده است. این رقم با اختلاف کمترین نرخ رشد این بخش نسبت به دهه‌های پیشین به شمار می‌رود. بنابراین می‌توان گفت اگرچه رشد اقتصادی توانسته است خود را با کمک سوخت نفتی تا حدی حفظ کند، اما صنعت کشور همچنان در وضعیت وخیمی به سر می‌برد. این وضعیتی است که دولت چهاردهم سکان مدیریتی کشور را تحویل گرفته است. در این شرایط تحقق رشد اقتصادی ۸ درصدی و بهبود وضعیت صنعت نیازمند اصلاحات اقتصادی جدی خواهد بود.



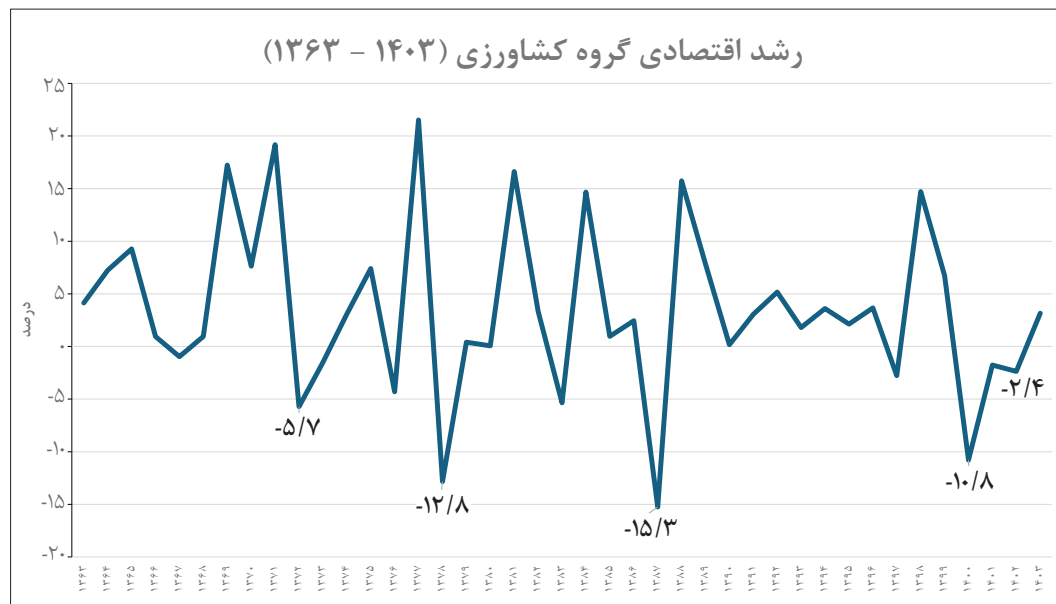
شهریور ۱۴۰۴

افول تدریجی کشاورزی در ۴ دهه



ایران، در سال ۱۴۰۳، ۶۵ درصد از کل محصول ناخالص داخلی کشور در بخش کشاورزی تولید شده است. با این حال آمارها نشان می‌دهد در دهه‌های اخیر به تدریج جایگاه این بخش در اقتصاد کشور با افت قابل ملاحظه‌ای مواجه شده است.

بخش کشاورزی یکی از سه رکن تولید هر کشور محسوب می‌شود. فعالیت‌های کشاورزی بخش بزرگی از نیروی کار بویژه در روستاها را به خود اختصاص می‌دهند و در تأمین امنیت غذایی کشور نیز نقش ویژه‌ای دارند. مطابق آمارهای مرکز آمار



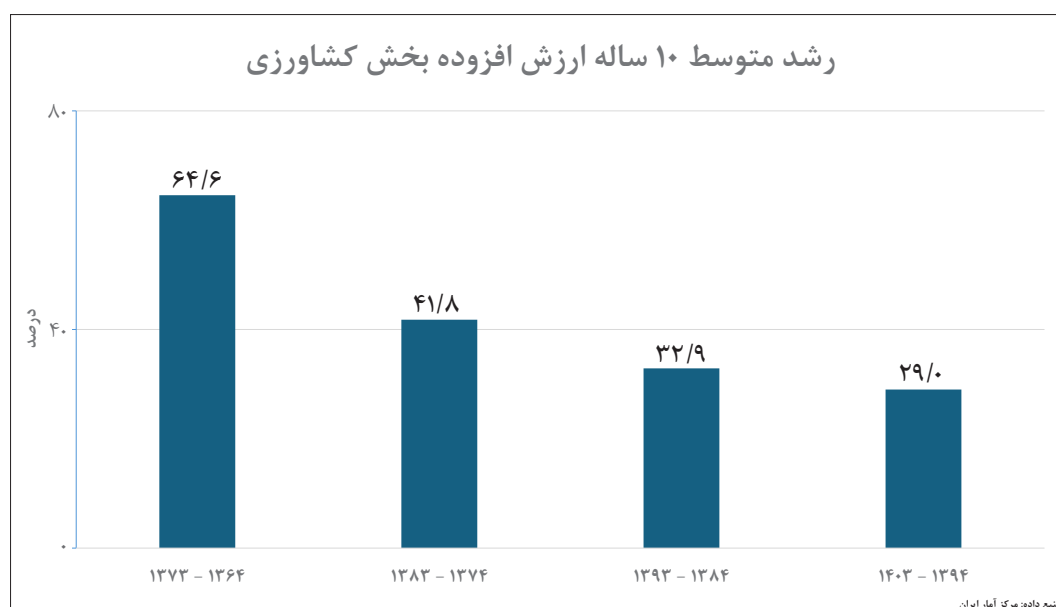
رشد اقتصادی گروه کشاورزی که در سال‌های ۱۴۰۰ تا ۱۴۰۲ منفی شده بود، در سال ۱۴۰۳ مجدداً مثبت شد و به ۳/۲ درصد رسید.



افول بخش کشاورزی در سال ۱۴۰۰ به نقطه‌ای رسید که رشد این بخش در سال ۱۴۰۰ برابر با منفی ۱۰/۸ درصد ثبت شد. عددی که حاکی از رقم خوردن یکی از بدترین دوره‌های زمانی برای این بخش مهم اقتصاد کشور بود. رشد منفی کشاورزی تا سال ۱۴۰۲ ادامه یافت و تا روی کار آمدن دولت چهاردهم برقرار بود، با این حال در سال ۱۴۰۳، پس از سه سال رشد این بخش مثبت شد. اکنون در نتیجه چند دهه خشکسالی و مدیریت ناکارآمد منابع آبی، دولت چهاردهم مسیر سختی را برای حفظ بخش کشاورزی کشور پیش روی خود دارد.



مطابق آمارها؛ متوسط ارزش افزوده تولیدشده در بخش کشاورزی در طی بازه ۱۰ ساله ۱۳۹۴ تا ۱۴۰۳ به میزان ۲۹ درصد رشد کرده است. این در حالی که این نرخ در سال‌های ۱۳۶۴ تا ۱۳۷۳ برابر با ۶۴/۶ درصد، در سال‌های ۱۳۷۴ تا ۱۳۸۳ برابر با ۴۱/۸ درصد و در سال‌های ۱۳۸۴ تا ۱۳۹۳ برابر با ۳۲/۹ درصد بوده است. این ارقام روند تدریجی افول بخش کشاورزی کشور در چهار دهه اخیر را نشان می‌دهند. گفته می‌شود یکی از دلایل مهم رکود بخش کشاورزی، خشکسالی‌های پی در پی در سال‌های اخیر است. خشکسالی‌هایی که سطح بارندگی‌ها را به میزان چشمگیری کاهش داده و کشاورزان را برای تأمین آب با مشکل مواجه کرده است.



تولید بخش کشاورزی کشور در سال‌های اخیر روندی نزولی را طی کرده است. به طوری که در یک دهه اخیر رشد متوسط ارزش افزوده این بخش به کمتر از ۳۰ درصد رسیده که در دهه‌های گذشته بی‌سابقه بوده است.

منبع داده: مرکز آمار ایران



شهریور ۱۴۰۴



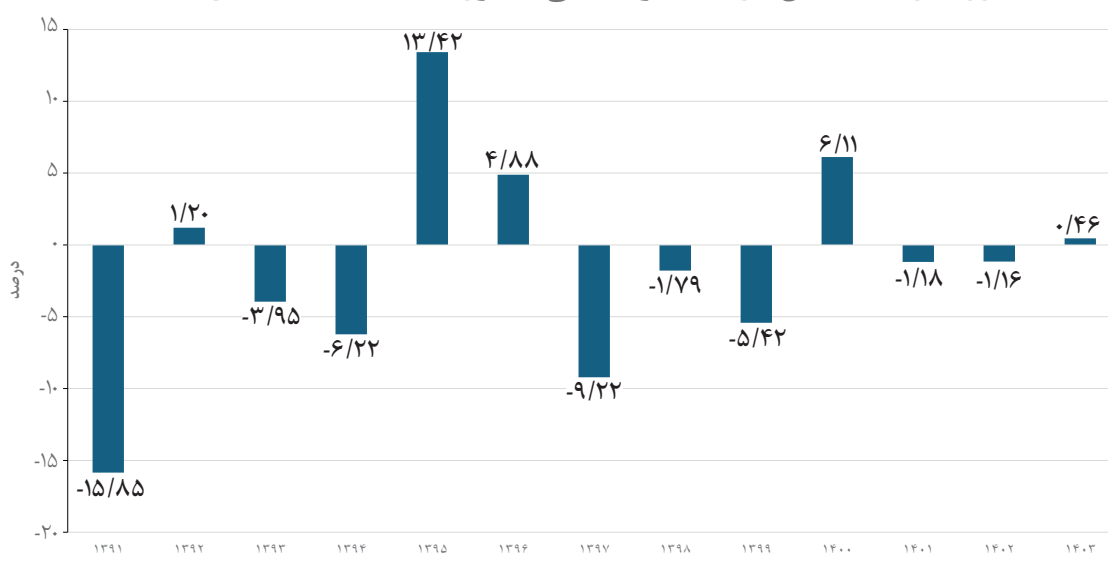
افت و خیز رفاه ایرانیان در دهه گذشته



قبل بدون احتساب تورم و با تبدیل شاخص به قیمت‌های ثابت سال ۱۴۰۰ نشان می‌دهد که از ابتدای دهه ۱۳۹۰، بیشترین درآمد ملی سرانه ایرانیان در سال ۱۳۹۰ و برابر با بیش از ۱۱۰ میلیون تومان در سال بوده است. همچنین خالص درآمد ملی سرانه که در سال ۱۴۰۰ برابر با ۹۰ میلیون و ۳۰۰ هزار تومان بوده است، در سال‌های ۱۴۰۱ و ۱۴۰۲ رو به کاهش رفته است. به عبارت دیگر رشد خالص درآمد ملی سرانه به قیمت ثابت نشان می‌دهد که این شاخص در این دو سال منفی بوده است.

یکی از مهم‌ترین شاخص‌های ارزیابی رفاه در یک جامعه بررسی تغییرات درآمد سرانه است. خالص درآمد ملی سرانه به بیان ساده ارزش کل درآمد کسب شده توسط مردم یا سهم هر فرد از ثروت کشور را نشان می‌دهد. مطابق ارقام مرکز آمار ایران، خالص درآمد ملی سرانه در سال ۱۴۰۳ برابر با ۲۴۳ میلیون و ۶۰۰ هزار تومان بوده است. به عبارت دیگر در سال گذشته هر ایرانی به طور متوسط ۲۰ میلیون و ۳۰۰ هزار تومان در ماه درآمد داشته است. مقایسه این شاخص با سال‌های

رشد رشد خالص درآمد سرانه ملی کشور به قیمت ثابت سال ۱۴۰۰



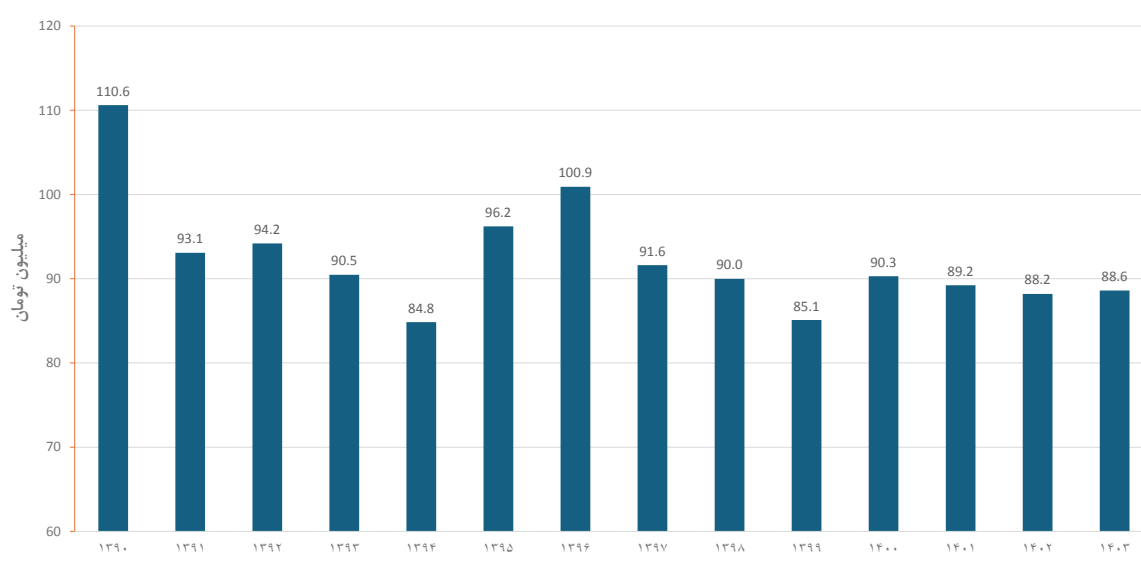
خالص درآمد سرانه ملی کشور در پایان سال ۱۴۰۳ پس از دو سال رشد منفی، با روی کار آمدن دولت چهاردهم مثبت شده است.



همچنین کنترل تورم و ثبات در سیاست‌های ارزی و مالی از مهم‌ترین پیش شرط‌های بهبود سطح رفاه محسوب می‌شود. بنابراین دولت چهاردهم مسیری دشوار اما تعیین‌کننده پیش رو دارد. از یک سو باید با مهار تورم و ایجاد ثبات اقتصادی، اعتماد عمومی را بازسازی کند و از سوی دیگر با سیاست‌های تشویقی برای سرمایه‌گذاری و حمایت از تولید، زمینه افزایش پایدار خالص درآمد ملی سرانه را فراهم آورد.

با این حال با روی کار آمدن دولت چهاردهم، خالص درآمد ملی سرانه به رشد مثبت ۰.۵ درصدی رسید. رشدی که گرچه اندک است اما نشان می‌دهد پس از دو سال رفاه ایرانیان افزایش نسبی داشته است. با این حال رشد پایدار درآمد سرانه نیازمند افزایش بهره‌وری نیروی کار، گسترش سرمایه‌گذاری داخلی و خارجی، و توسعه بخش‌های مولد مانند صنعت، کشاورزی و خدمات دانش بنیان است.

حجم خالص درآمد سرانه ملی کشور به قیمت ثابت سال ۱۴۰۰



خالص درآمد سرانه ملی کشور به قیمت ثابت سال ۱۴۰۰ از سال ۱۳۹۷ کاهش یافته و در سال ۱۴۰۳ به ۸۸ میلیون و ۸۰۰ هزار تومان به ازای هر ایرانی رسیده است.



شهریور ۱۴۰۴

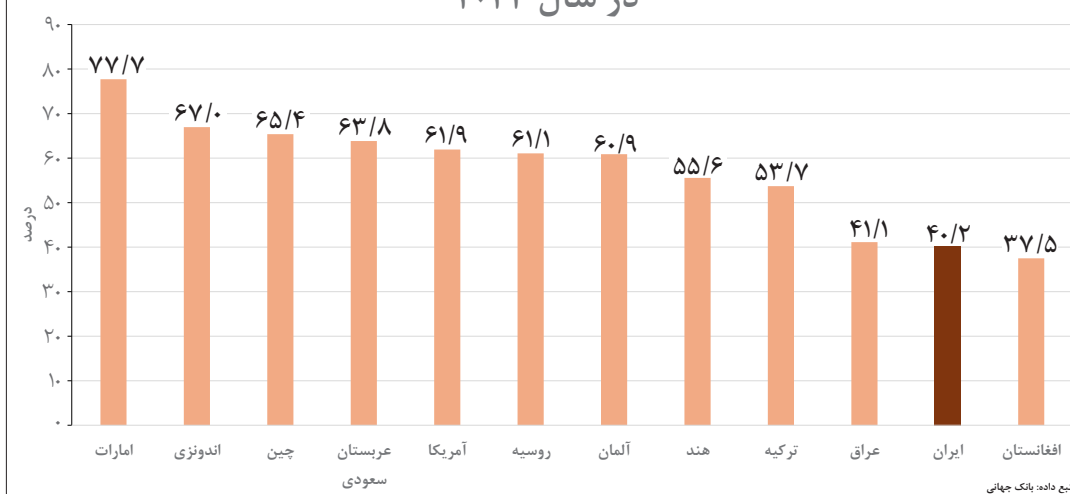
مشارکت پایین در بازار کار



شده از سوی مرکز آمار ایران نرخ مشارکت اقتصادی کشور برابر با ۴۱.۲ درصد بوده است. به عبارت دیگر می‌توان گفت از هر هزار نفر فرد بالای ۱۵ سال در کشور، ۴۱۲ نفر شاغل در جست‌وجوی شغل به سر می‌برند و ۵۸۸ نفر دیگر هیچ مشارکتی در بازار کار ندارند. موضوعی که می‌تواند به دلیل دستمزدهای پایین، پویا نبودن بازار کار، تمایل افراد به تحصیل و دلایل دیگر باشد.

نرخ مشارکت اقتصادی یکی از شاخص‌های مهم بازار کار است که میزان فعالیت اقتصادی جامعه را نشان می‌دهد. این شاخص در واقع به معنای نسبت جمعیت شاغل و جمعیت در جست‌وجوی کار به کل افراد در سن کار (بالای ۱۵ سال) است. کارشناسان یکی از مهم‌ترین نقاط ضعف اقتصاد ایران را در دهه‌های اخیر نرخ مشارکت اقتصادی کم می‌دانند. مطابق آخرین آمار منتشر

مقایسه نرخ مشارکت اقتصادی ایران و چند کشور دیگر
در سال ۲۰۲۴



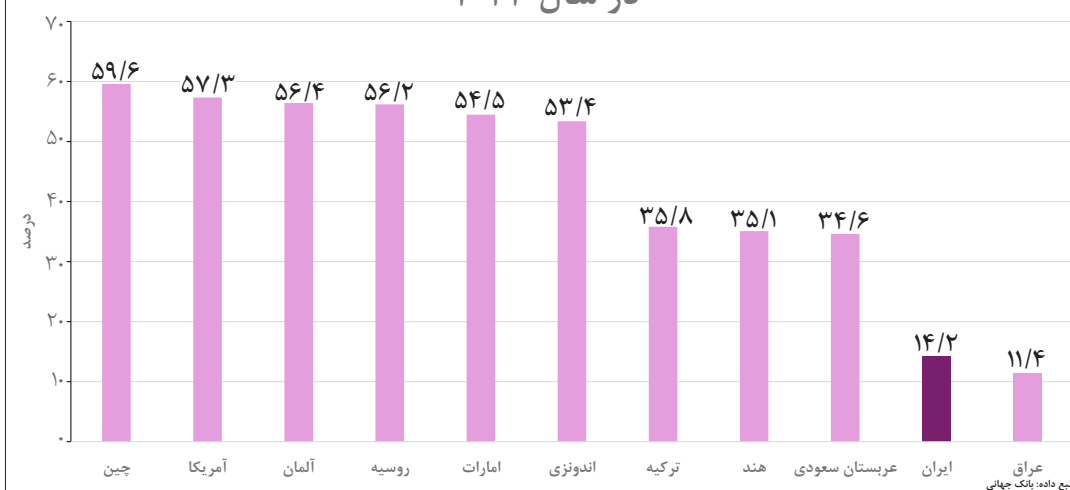
مطابق آمار بانک جهانی، نرخ مشارکت اقتصادی ایران از میانگین جهانی فاصله زیادی دارد و حدود ۴۰ درصد است.



مطابق آخرین آمارهای بانک جهانی مربوط به سال ۲۰۲۳، نرخ مشارکت اقتصادی زنان ایران برابر با ۱۴.۲ درصد بوده است. به عبارت دیگر از هر هزار زن ایرانی تنها ۱۴۲ نفر شاغل یا در جست‌وجوی کار بوده‌اند. این در حالی است که میانگین جهانی این شاخص حدود ۴۹ درصد است. همچنین مطابق آمارهای بسیاری از کشورهای منطقه نیز وضعیت بهتری در این شاخص نسبت به ایران داشته‌اند. به طوری که نرخ مشارکت اقتصادی زنان در امارات به ۵۴.۵ درصد، در اندونزی به ۵۳.۴ درصد، در ترکیه به ۳۵.۸ درصد و در عربستان سعودی به ۳۴.۶ درصد می‌رسد. در این شرایط دولت چهاردهم برای پویا کردن بازار کار راه دشواری پیش رو دارد.

آمارهای بانک جهانی در سال ۲۰۲۴ نشان می‌دهد نرخ مشارکت اقتصادی ایران پایین‌تر از بسیاری کشورهای دیگر قرار داشته است. مطابق آمارهای سازمان جهانی کار میانگین جهانی این نرخ در سال ۲۰۲۴ حدود ۶۱ درصد بوده است. این در حالی است که طبق آمار بانک جهانی نرخ مشارکت اقتصادی ایران در این سال برابر با ۴۰.۲ درصد ثبت شده است. این در حالی است که میزان مشارکت اقتصادی در امارات به ۷۷.۷ درصد، در اندونزی به ۶۷ درصد، در چین به ۶۵.۴ درصد و در ترکیه به ۵۳.۷ درصد می‌رسد.

مقایسه نرخ مشارکت اقتصادی زنان ایران و چند کشور دیگر
در سال ۲۰۲۳



مطابق آمار بانک جهانی، نرخ مشارکت اقتصادی زنان ایرانی حدود ۱۴ درصد است. این در حالی است که این نرخ در برخی کشورهای منطقه به حدود ۳۵ درصد می‌رسد.



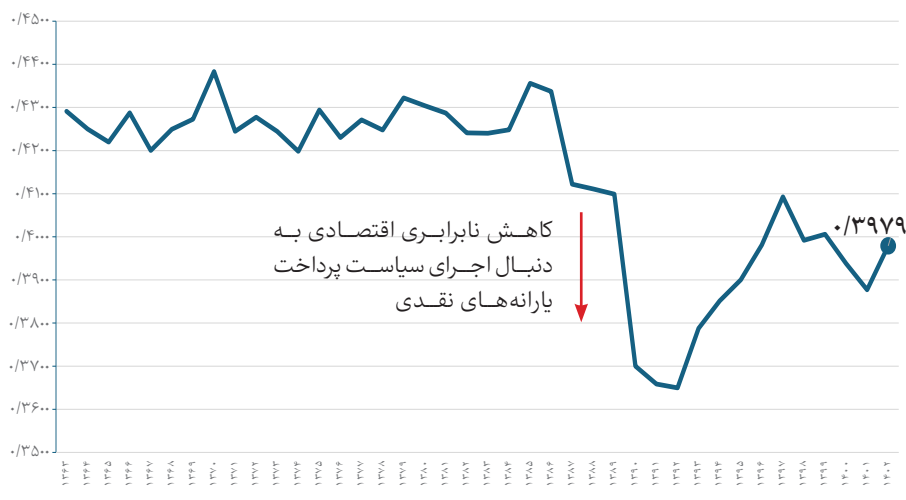
شهریور ۱۴۰۴



بازگشت نابرابری به تنظیمات کارخانه



ضریب جینی کل

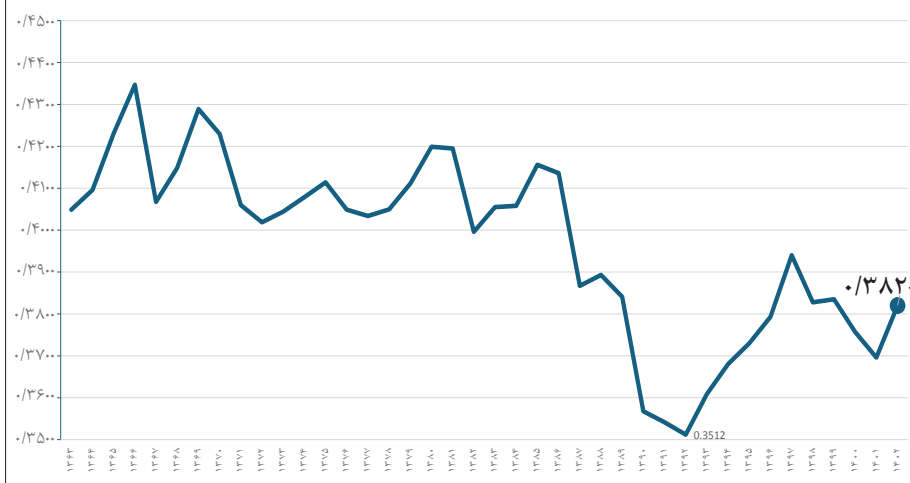


در کنار تولید ثروت و رشد و توسعه اقتصادی، بازتوزیع ثروت و کاهش نابرابری اقتصادی و اجتماعی یکی از وظایف مهم دولت‌ها دانسته می‌شود. نابرابری درآمد در اقتصاد با شاخص ضریب جینی اندازه‌گیری می‌شود. ضریب جینی عددی بین صفر و یک است که هرچه کمتر باشد برابری درآمدی بیشتر در جامعه را نشان می‌دهد. مطابق گزارش‌های مرکز آمار ایران ضریب جینی کشور در سال ۱۴۰۲ به عدد ۰/۳۹۷۹ رسیده است. روند این شاخص حاکی از این است که نابرابری اقتصادی در کشور از سال ۱۳۹۳ به سرعت رو به افزایش رفته و با وخامت وضعیت اقتصادی در سال ۱۳۹۸ مجدداً کاهش یافته است. با این حال روند این شاخص نشان می‌دهد که نابرابری درآمدی در ایران در سال ۱۴۰۲ پس از پنج سال مجدداً رو به افزایش رفته است.

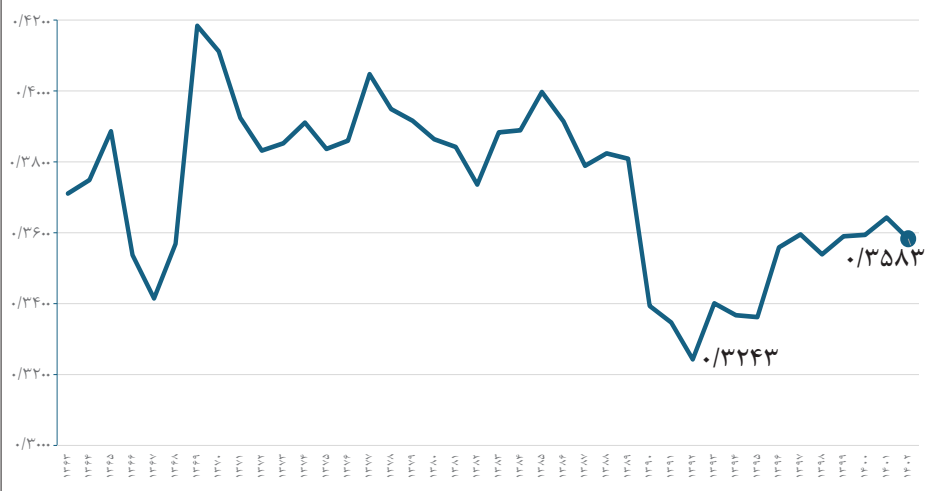


بنابراین با توجه به روند ضریب جینی می‌توان گفت طی دولت سیزدهم اگرچه ارقام رشد اقتصادی به اتکای فروش نفت بهبود یافت، با این حال ثمره این رشد در جامعه فراگیر نبوده و تنها به نفع گروه محدودی تمام شده است. از سوی دیگر روند ضریب جینی به تفکیک مناطق شهری و روستایی نیز واقعیت مهمی را نشان می‌دهد. به طوری که اگرچه از سال ۱۳۹۳ نابرابری درآمدی چه در شهرها و چه در روستاها افزایش یافته است، اما افزایش نابرابری در روستاها بیش از شهرها بوده است. به عبارت دیگر این ارقام نشان می‌دهند که در یک دهه گذشته شکاف درآمدی در روستاها با سرعت بیشتری افزایش یافته است. موضوعی که می‌تواند افزایش فقر روستایی، مهاجرت روستاییان به شهرها و در نهایت تضعیف زیاد فعالیت‌های کشاورزی را در پی داشته باشد.

ضریب جینی شهری



ضریب جینی مناطق روستایی



بنابراین دولت چهاردهم علاوه بر تولید ثروت اقتصادی، با مشکل نابرابری اقتصادی افزایش یافته در جامعه نیز مواجه است. برای کاهش این نابرابری، دولت ناگزیر است سیاست‌هایی مانند اصلاح نظام مالیاتی، گسترش بیمه‌های اجتماعی، حمایت هدفمند از خانوارهای کم‌درآمد، و توسعه فرصت‌های شغلی در مناطق محروم را در اولویت قرار دهد. همچنین ایجاد ثبات اقتصادی و کنترل تورم می‌تواند به توزیع منصفانه‌تر ثروت کمک کند. در غیر این صورت، حتی اگر رشد اقتصادی تداوم یابد، نابرابری گسترده می‌تواند مانعی جدی در مسیر توسعه پایدار کشور باشد.

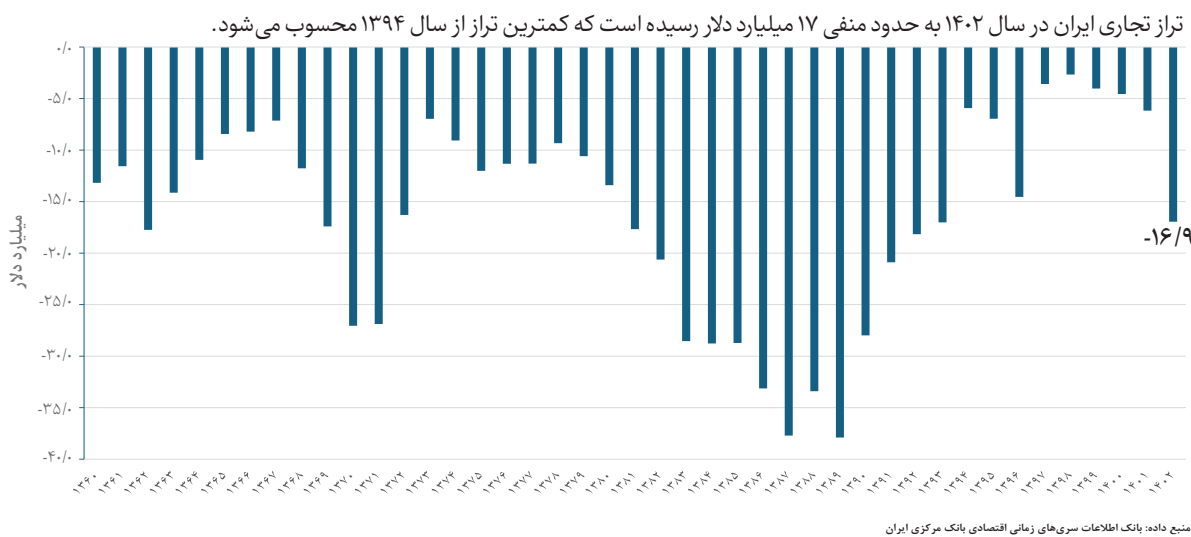
ارزان صادر می‌کنیم، گران وارد می‌کنیم



اگرچه منفی بودن تراز تجاری برای مدتی محدود موضوعی منفی به شمار نمی‌آید، اما ادامه یافتن این موضوع برای چند دهه به معنای فشار بر ذخایر ارزی کشور و جهش نرخ ارز، و تضعیف تولید داخلی است و مشکلات ساختاری در تولید، صادرات و سیاست‌های تجاری کشور را نشان می‌دهد. نکته قابل توجه این است که در سال‌های اخیر صادرات میعانات گازی نیز در تجارت غیر نفتی لحاظ شده و این موضوع یک علت مهم بهبود تراز تجاری در سال‌های پایانی دهه ۱۳۹۰ بوده است. با وجود این شرایط، افت شدید تراز تجاری در سال ۱۴۰۲ حاکی از شرایط وخیم تجارت کشور پیش از روی کار آمدن دولت چهاردهم است.

تراز تجاری غیر نفتی کشور در سال ۱۴۰۲ برابر با منفی ۱۶ میلیارد و ۹۰۰ میلیون دلار بوده است که کمترین مقدار این شاخص از سال ۱۳۹۴ محسوب می‌شود. منظور از تراز تجاری اختلاف میان ارزش کالاهای صادر شده و ارزش واردات در یک کشور است و منفی بودن این شاخص به معنای بیشتر بودن ارزش واردات از ارزش صادرات است. آمارهای بانک مرکزی ایران نشان می‌دهد تراز تجاری گمرکی کشور که تجارت غیر نفتی را در بر می‌گیرد، حداقل از ابتدای دهه ۱۳۶۰ در تمام سال‌ها منفی بوده است. موضوعی که نشان می‌دهد وزنه تجارت خارجی کشور همواره به سمت واردات کالاهای سنگین‌تر بوده است.

تراز تجاری غیر نفتی کشور (۱۳۶۰ - ۱۴۰۲)

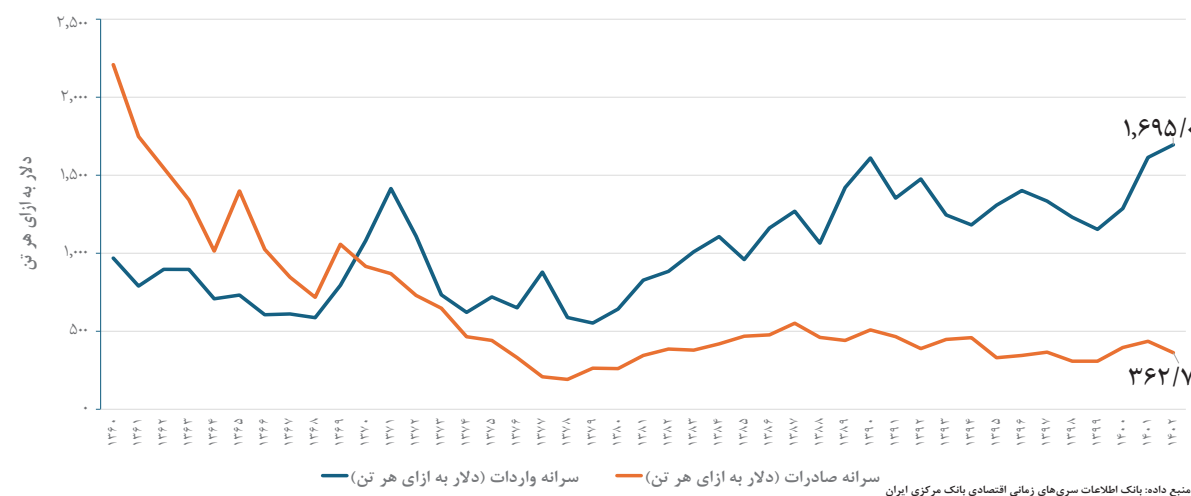


* افت شدید تراز تجاری در سال ۱۴۰۲ در حالی است که در سال‌های اخیر صادرات میعانات گازی نیز در تجارت غیر نفتی لحاظ شده است. موضوعی که دلیل مهم بهبود تراز تجاری در سال‌های اخیر است.

حدود یک پنجم کالاهای صادراتی است. ارزان بودن صادرات کشور نسبت به واردات به این معناست که کالاهای صادراتی ایرانی ارزش افزوده کمتری دارند که می‌تواند تا حدی نشان‌دهنده صادرات مواد خام و نیمه‌خام و در عوض وابستگی کشور به کالاهای سرمایه‌ای و با فناوری بالا باشد. موضوعی که در نهایت توسعه اقتصادی کشور را با مشکل جدی مواجه خواهد کرد.

افت تراز تجاری غیر نفتی و ازدیاد واردات نسبت به صادرات در حالی رقم خورده است که مطابق آمارها، ارزش کالاهای صادراتی کشور نیز در مقایسه با کالاهای وارداتی اختلاف زیادی پیدا کرده است. به طوری که در سال ۱۴۰۲ ارزش هر تن کالای صادراتی از کشور برابر با ۳۶۲٫۷ دلار و ارزش هر تن کالای وارداتی به کشور برابر با ۱۶۹۵ دلار بوده است. به عبارت دیگر ارزش کالاهای صادراتی

مقایسه ارزش سرانه صادرات و سرانه واردات غیر نفتی کشور (۱۳۶۰ - ۱۴۰۲)



از ابتدای دهه ۱۳۷۰، ارزش سرانه واردات از ارزش سرانه صادرات پیشی گرفته است. به طوری که در سال ۱۴۰۲، ارزش هر تن واردات کشور نزدیک به ۵ برابر ارزش هر تن کالای صادراتی از کشور بوده است.



شهریور ۱۴۰۴



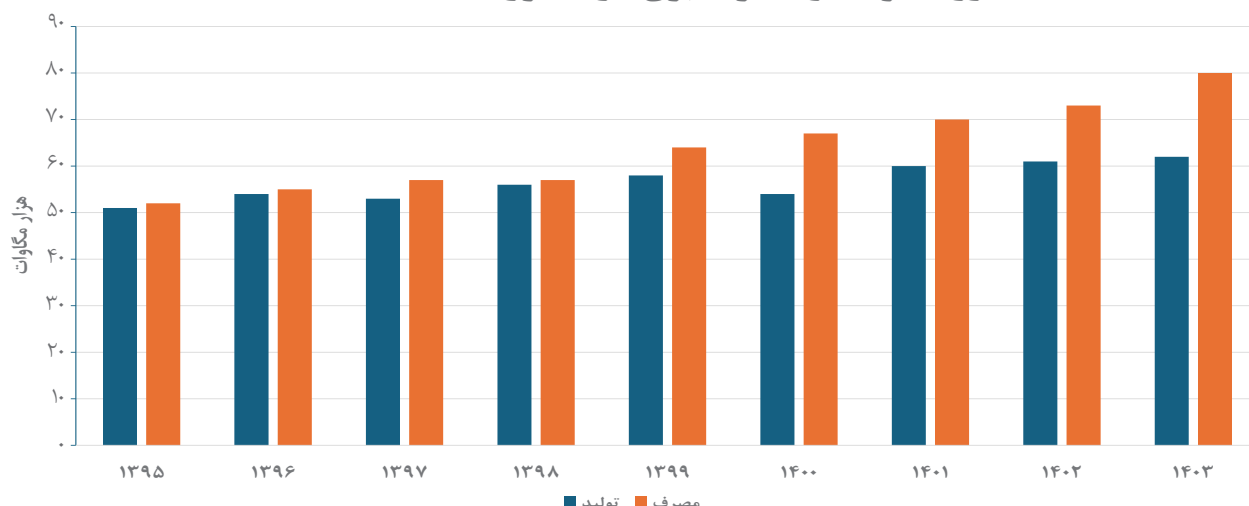
رند صعودی ناترازی هادر پنج سال گذشته



است که میزان برق تولید شده، پاسخگوی مصرف کشور نیست و این موضوع موجب خاموشی‌ها و اختلال‌های گسترده در بخش‌های مختلف صنعتی، خدماتی و خانگی می‌شود. این وضعیت نه تنها به رفاه مردم آسیب می‌زند بلکه تولید و بهره‌وری صنایع را نیز کاهش می‌دهد و اقتصاد کشور را به شدت تحت فشار قرار می‌دهد.

بحران انرژی در سال‌های اخیر به ویژه در فصل تابستان مشکلات زیادی برای کشور ایجاد کرده است. منظور از ناترازی شکاف میان تولید و مصرف در یک بازه زمانی مشخص است. آمارها نشان می‌دهند ناترازی برق از سال ۱۳۹۹ شدت گرفته و به تدریج بیشتر شده است. به طوری که در سال ۱۴۰۳ به آستانه‌ی ۲۰ هزار مگاوات کسری رسیده است. این ناترازی به معنی این

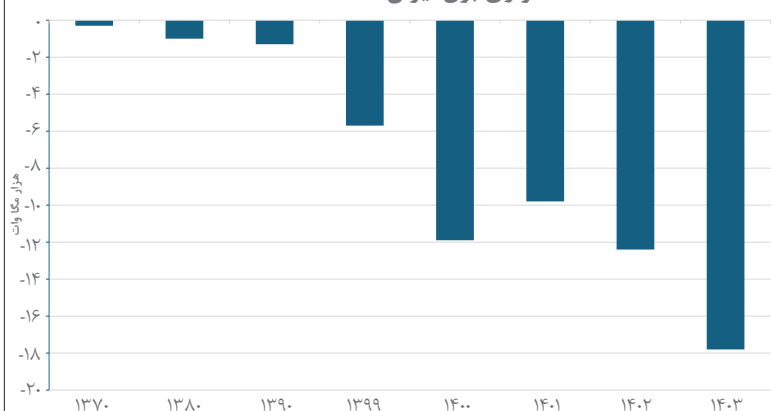
رند تولید و مصرف برق در کشور (۱۳۹۵ - ۱۴۰۳)



شکاف میان حجم تولید و مصرف برق در کشور از سال ۱۳۹۹ گرفته و در سال ۱۴۰۳ به اوج رسیده است.

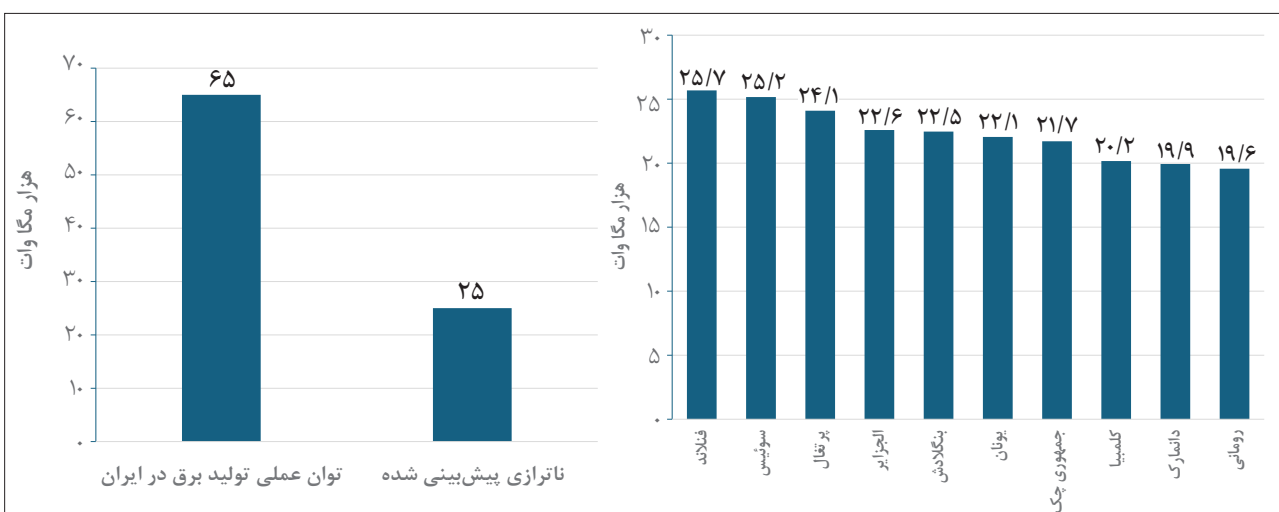


ناترازی برق ایران (۱۳۷۰ - ۱۴۰۳)



برای درک حجم ناترازی برق در ایران می‌توان آن را با کشورهای دیگر مورد مقایسه قرار داد. این مقایسه نشان می‌دهد که ناترازی برق در ایران تقریباً معادل با ظرفیت تولید برق در ۱۰ کشور جهان است. به عبارت دیگر حجم کسری برق در ایران به اندازه‌ای است که می‌توانست برق یک کشور متوسط را به طور کامل تامین کند. این مقیاس عظیم ناترازی، ضرورت سرمایه‌گذاری‌های کلان در بخش تولید انرژی و بهبود مدیریت مصرف را بیش از پیش برجسته می‌کند. دولت چهاردهم در زمان آغاز به کار خود با شرایط بسیار پیچیده و چالشی در حوزه ناترازی برق مواجه بوده است. از سال‌های پیشین، ناترازی برق به دلیل کمبود ظرفیت تولید، افزایش مصرف و فرسودگی زیرساخت‌ها به طور پیوسته افزایش یافته بود. این وضعیت به معنای آن بود که شبکه برق کشور قادر به تأمین نیاز مصرف‌کنندگان نبود و خاموشی‌های گسترده و برنامه‌ریزی شده به یک راه نام‌گزیر برای دولت تبدیل شد.

ناترازی برق ایران در مقایسه با ظرفیت تولید برق چند کشور



ناترازی برق کشور به ۲۰ هزار مگاوات رسیده و پیش‌بینی می‌شود تا ۲۵ هزار مگاوات نیز افزایش یابد. این میزان ناترازی برابر با کل ظرفیت تولید برق ۱۰ کشور جهان است.



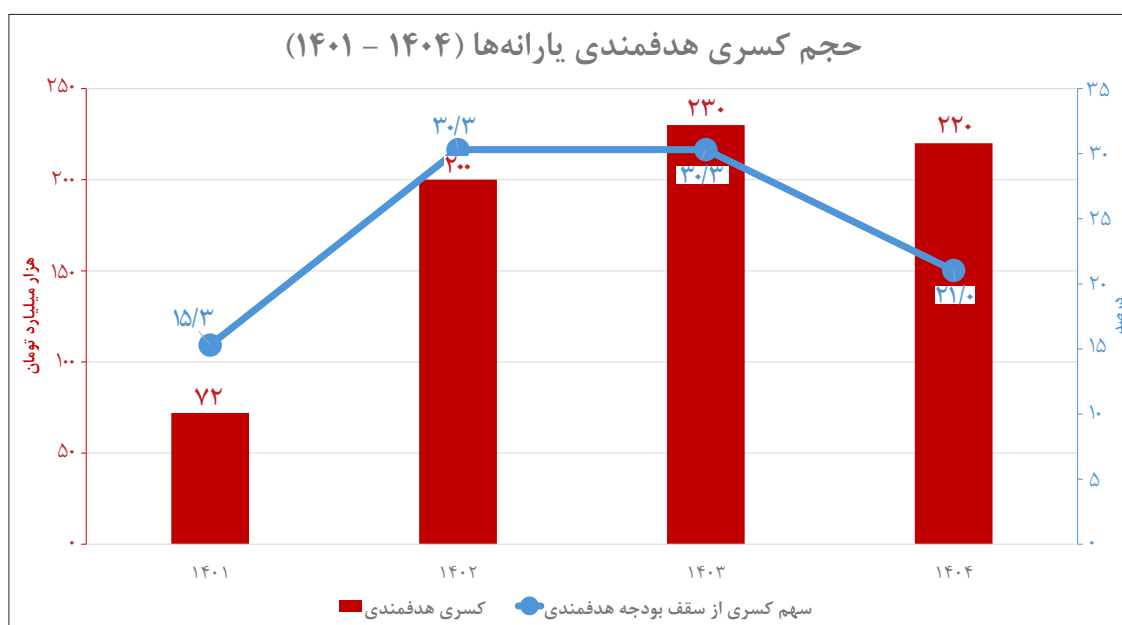
شهریور ۱۴۰۴

سایه سنگین یارانه‌ها روی بودجه دولت



پیش‌بینی شده منابع لازم وجود نداشت. این کسری در دو سال آتی جهش زیادی یافت و به ۲۳۰ همت در سال ۱۴۰۳ رسید. به طوری که مقایسه این رقم با کل بودجه قانون هدفمندی در این سال نشان می‌دهد که حدود یک سوم منابع این طرح محقق نشده است. علت اصلی کسری‌های پیاپی را می‌توان در چند عامل جست‌وجو کرد: رشد شدید مصرف انرژی به دلیل تثبیت قیمت‌ها، کاهش توان دولت در وصول درآمدهای نفتی، ضعف در شناسایی دقیق دهک‌های درآمدی و پرداخت یارانه همگانی به جای پرداخت هدفمند.

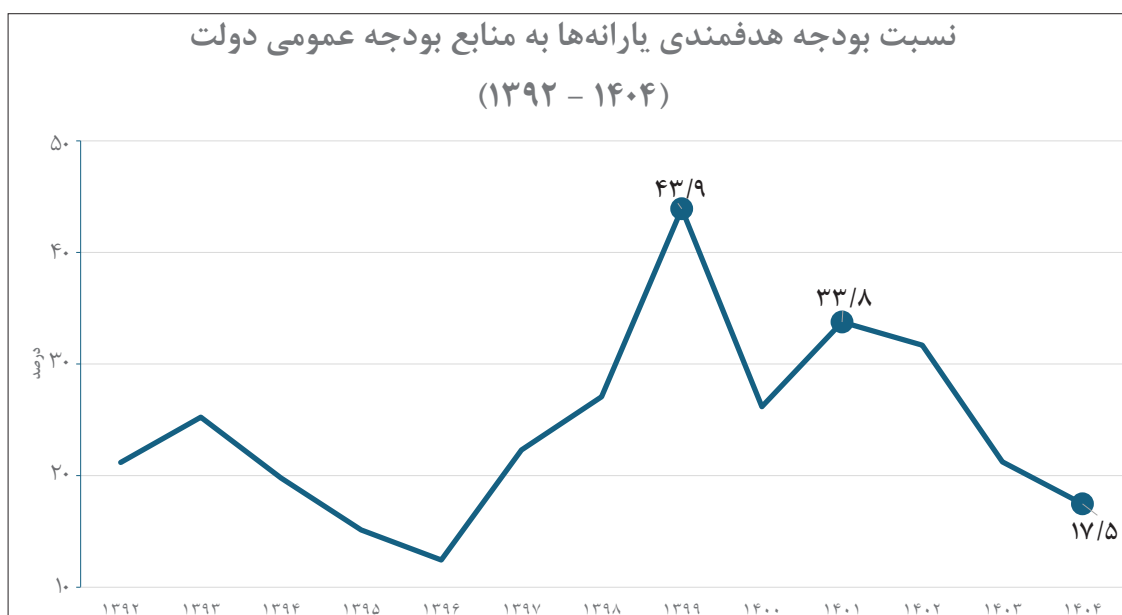
در سال‌های اخیر اجرای هدفمندسازی یارانه‌ها به یکی از مهم‌ترین نقاط ضعف دولت‌ها تبدیل شده است. این قانون که در سال‌های پایانی دهه ۱۳۸۰ تصویب شد، بنا بود از محل آزادسازی نرخ انرژی به عادلانه شدن نظام توزیع یارانه‌ها و افزایش کارایی اقتصادی منجر شود. با این حال در اجرا با کسری‌های هنگفتی مواجه شد و فشار مضاعفی بر بودجه عمومی دولت وارد کرد. مطابق گزارش‌ها، قانون هدفمندسازی یارانه‌ها در سال ۱۴۰۱ با ۷۲ هزار میلیارد تومان کسری مواجه بود. به طوری که برای تأمین حدود ۱۵ درصد از یارانه‌های



کسری هدفمندسازی یارانه‌ها در سال‌های اخیر رشد قابل توجهی داشته و یکی از عوامل مهم فشار بر منابع مالی دولت بوده است. با این حال دولت چهاردهم در قانون بودجه ۱۴۰۴ این کسری را کاهش داده است.

کاهش سهم به معنای رفع مشکلات نیست، زیرا همچنان پیش‌بینی می‌شود در سال ۱۴۰۴ نیز هدفمندی با کسری ۲۲۰ همت مواجه باشد. دولت چهاردهم تلاش کرده است با یکپارچه‌سازی بودجه این قانون با بودجه کل کشور، انضباط مالی آن را افزایش دهد. با این حال، برای عبور از میراث ناکارآمدی گذشته، نیاز به اصلاحات ساختاری جدی در نظام یارانه‌ای کشور وجود دارد؛ از جمله بازنگری در شیوه توزیع یارانه، تقویت پایگاه اطلاعاتی رفاه ایرانیان برای شناسایی دقیق دهک‌ها، و ایجاد پیوند میان سیاست‌های حمایتی و رشد تولید.

کسری هدفمندی اغلب دولت‌ها را ناچار به برداشت از منابع بودجه عمومی دولت کرده است. بنابراین اجرای ناکارآمد سیاست هدفمندی و مواجهه آن با کسری، کسری بودجه دولت را نیز تشدید کرده است. مطابق آمارها نسبت بودجه هدفمندی یارانه‌ها به بودجه عمومی دولت تا سال ۱۳۹۹ روندی صعودی داشته است. به طوری که در سال ۱۳۹۹ نسبت بودجه قانون هدفمندی برابر با ۴۳.۹ درصد از کل بودجه عمومی دولت بوده است. البته این سهم در سال‌های بعد کاهش یافت و با روی کار آمدن دولت چهاردهم به ۱۷.۵ درصد رسید. این حال



با روی کار آمدن دولت چهاردهم، نسبت بودجه قانون هدفمندسازی یارانه‌ها در سال ۱۴۰۴ به ۱۷/۵ درصد از بودجه عمومی دولت رسیده است که کمترین نسبت از سال ۱۳۹۷ محسوب می‌شود.



شهریور ۱۴۰۴

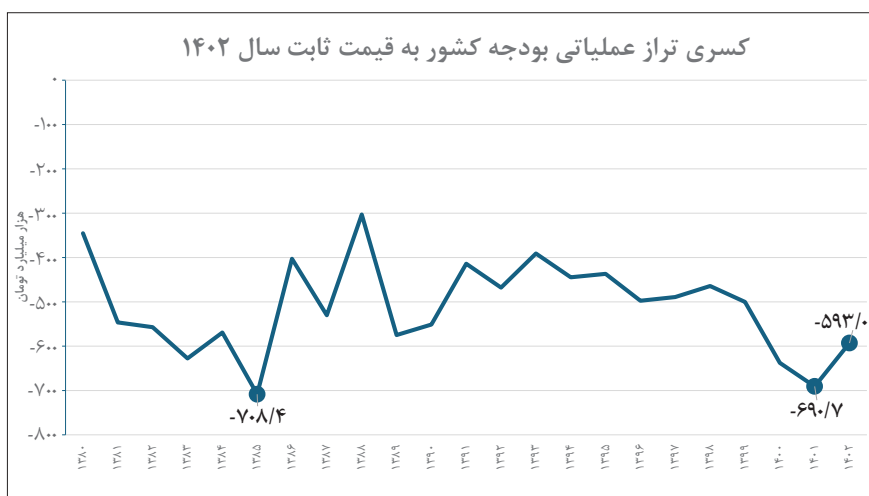


دخل و خرجی که با هم نمی خواند



تراز مالی. تراز عملیاتی شامل هزینه‌ها و درآمدهای عمومی دولت است. تراز سرمایه‌ای مخارج و درآمدهای حاصل از سرمایه‌های کشور (از جمله نفت) را شامل می‌شود و تراز مالی به تأمین مالی دولت از راه استقراض از منابع مختلف مربوط می‌شود. بنابراین هسته اصلی کسری بودجه دولت را کسری تراز عملیاتی تشکیل می‌دهد.

کسری بودجه دولت در دهه‌های اخیر به یکی از ابربحران‌های اقتصاد ایران تبدیل شده است. منظور از کسری بودجه شکاف میان درآمدها و مخارج عمومی کشور است که دولت‌ها را وادار به استقراض از منابع مختلف می‌کند و در نهایت سبب عدم تعادل و ناترازی شدید در بخش‌های مختلف اقتصاد می‌شود. بودجه کشور شامل سه بخش اصلی است: تراز عملیاتی، تراز سرمایه‌ای و



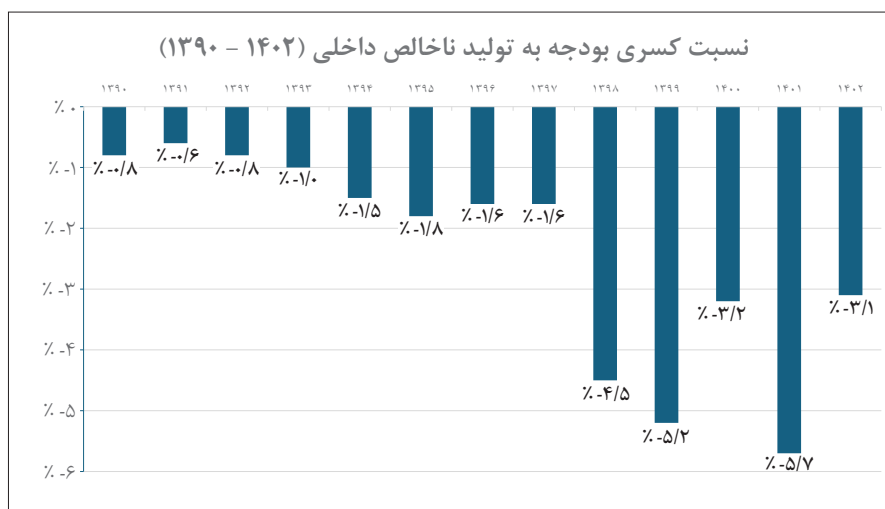
کسری بودجه دولت از سال ۱۳۹۹ تشدید شده است و در سال ۱۴۰۱ به بیش از ۶۹۰ هزار میلیارد تومان رسیده است. عددی که در ۲۰ سال گذشته کم سابقه محسوب می‌شود.



یکی از شاخص‌هایی که می‌تواند فشار کسری بودجه دولت بر اقتصاد را اندازه‌گیری کند، نسبت کسری بودجه به کل تولید ناخالص داخلی کشور است. این شاخص نشان می‌دهد که از سال ۱۳۹۸ بار مالی کسری بودجه بر اقتصاد کشور افزایش یافته است. به طوری که در سال ۱۴۰۱، این نسبت به ۵.۷ درصد رسیده که در سال‌های اخیر بی سابقه بوده است.

این ارقام نشان می‌دهد که دولت چهاردهم بار مالی سنگینی را از دولت‌های پیشین به ارث گرفته که می‌تواند دولت را با چالش جدی مواجه کند.

مطابق آمارها؛ کسری تراز عملیاتی به قیمت ثابت سال ۱۴۰۲ در سال‌های اخیر تشدید شده و در سال ۱۴۰۱ به بیش از ۶۹۰ هزار میلیارد تومان رسیده است که پس از سال ۱۳۸۵، دومین رکورد کسری تراز عملیاتی دولت در دو دهه اخیر محسوب می‌شود. باید در نظر گرفت که کسری تراز عملیاتی تنها بخشی از کسری بودجه دولت را تشکیل می‌دهد و با احتساب کسری تراز سرمایه‌ای این رقم افزایش خواهد یافت. برای مثال کارشناسان دلایل متفاوتی برای تشدید کسری بودجه در کشور ذکر می‌کنند: تورم و افزایش هزینه‌های جاری دولت، ضعف در ساختار مالیاتی، وجود مشکلات ساختاری در بودجه کشور و کاهش درآمدهای نفتی و فشار مالی یارانه‌ها بر بودجه عمومی دولت برخی از مهم‌ترین این دلایل هستند.



کسری بودجه دولت از سال ۱۳۹۹ تشدید شده است و در سال ۱۴۰۱ به بیش از ۶۹۰ هزار میلیارد تومان رسیده است. عددی که در ۲۰ سال گذشته کم سابقه محسوب می‌شود.

نشانی: تهران، خیابان خرمشهر، شماره ۲۰۸
صندوق پستی ۱۵۸۷۵-۵۵۳۸
تلفن: ۸۸۷۶۱۷۲۰
نمابر: ۸۸۷۶۱۵۴
لینوگرافی، چاپ و صحافی:
مؤسسه فرهنگی مطبوعاتی ایران

مدیر هنری:
علیرضا میرزاصطفی
طرح جلد:
هادی حیدری
دبیر فنی:
پرویز آزموده
صفحه‌آرایی:
محسن ذاکری و محمد عباسپور
ویراستار:
داریوش کمالی‌پور آزاد

معاونین سردبیر:
حسین مسلم، سیامک رحمانی، ابراهیم بهشتی
مهدی نوروزیان
واحد تحلیل آمار مؤسسه فرهنگی مطبوعاتی ایران:
شهریار صادقی (دبیر)، فائزه کریمی، محمدرضا
پهران‌وند، علیرضا خانیان
دبیر ویژه‌نامه:
سپه‌لا نوری

صاحب امتیاز:
خبرگزاری جمهوری اسلامی
مدیر مسئول و رئیس هیأت مدیره:
صادق حسین جابری انصاری
مدیر عامل:
علی متقیان
سردبیر:
هادی خسروشاهین